

من ليل او نهار او عقيب صلوة ان غير ذلك هاتيكه
ان نكاح اركه و ياتي به اذ المسكنه ولا يملكه ليعتادوا
للا شرمه عليه ولا يفتا هل في وضائه **مجلس**
موسسه بودن بر كاري و دو كبر ناره از خولنده و جز آن عقيب با بعض
شيخ عقيب كرد باست حج و دست در نسخ مصحح و مضروب است بظرف است
در بعض نسخ ثوبت و فوات و در كذا نسخ از باب بفر تراك تلافيا
اهمال فرود گذاشتن خري را اعتنا و غفلت كردن نشاء اهل مساحت كردن
قصا كذا بودن و ام رس نيدان **مجلس** يعنى ذكر مشرع معجز و عروب
نا كذا شمره نفس خود را از جهت عفا من برنا صخرين ذكر كردن است
براي اذ كذا شرط است در ان اسماع نفس كردن ذكرى كه مشرع است بر ايد
غير ذاكرا نكند اولان و مانند تر است در حق امام كه انجا هم اسماع نفس
ميت ملك است از اسماع غير اس و اول فضل الذر ان القرآن كالتعديل
براي انتر الا اسماع ذكر نفس خود را در اول غيره بلام است و در بعض نسخ
بار موصده است پس معضض است كه افضل ذكر قرآن است كردن
كه حكم شاعر در ابجى خواندن غير قرآن واقع شده است مانند خواندن تسبيح
در ركوع و سجود و شهادت و قعدا بجهت اكنه عمل بمقتضى مقام اهد است
ملك خواندن قرآن در نماز است معصوم و معصوم است كه معتقد در
اوكار و در اوكار ذكر مشرع و از دست است مانند تسبيح و حمد و تكبير در نماز
و عقيب نماز عمل با دست و او در تسبيح تحقيق عمل در كور است كه خود را
شمره نماز الصبح زود هر دو قبل از نماز تصحيح الوضوء پس نماز است

مجلس

من ليل او نهار او عقيب صلوة ان غير ذلك هاتيكه
ان نكاح اركه و ياتي به اذ المسكنه ولا يملكه ليعتادوا
للا شرمه عليه ولا يفتا هل في وضائه **مجلس**
موسسه بودن بر كاري و دو كبر ناره از خولنده و جز آن عقيب با بعض
شيخ عقيب كرد باست حج و دست در نسخ مصحح و مضروب است بظرف است
در بعض نسخ ثوبت و فوات و در كذا نسخ از باب بفر تراك تلافيا
اهمال فرود گذاشتن خري را اعتنا و غفلت كردن نشاء اهل مساحت كردن
قصا كذا بودن و ام رس نيدان **مجلس** يعنى ذكر مشرع معجز و عروب
نا كذا شمره نفس خود را از جهت عفا من برنا صخرين ذكر كردن است
براي اذ كذا شرط است در ان اسماع نفس كردن ذكرى كه مشرع است بر ايد
غير ذاكرا نكند اولان و مانند تر است در حق امام كه انجا هم اسماع نفس
ميت ملك است از اسماع غير اس و اول فضل الذر ان القرآن كالتعديل
براي انتر الا اسماع ذكر نفس خود را در اول غيره بلام است و در بعض نسخ
بار موصده است پس معضض است كه افضل ذكر قرآن است كردن
كه حكم شاعر در ابجى خواندن غير قرآن واقع شده است مانند خواندن تسبيح
در ركوع و سجود و شهادت و قعدا بجهت اكنه عمل بمقتضى مقام اهد است
ملك خواندن قرآن در نماز است معصوم و معصوم است كه معتقد در
اوكار و در اوكار ذكر مشرع و از دست است مانند تسبيح و حمد و تكبير در نماز
و عقيب نماز عمل با دست و او در تسبيح تحقيق عمل در كور است كه خود را
شمره نماز الصبح زود هر دو قبل از نماز تصحيح الوضوء پس نماز است